

امام و تعلیم و تربیت

دکتر غلامعلی حدادعادل

در بحث «امام، تعلیم و تربیت و فرهنگ» مقدمتاً باید متذکر شویم که این بحث یکی از مهمترین بخشهای اندیشه امام خمینی قدس سره الشریف را تشکیل می‌دهد. امام خمینی خود به عنوان یک روحانی و یک استاد حوزه علمیه و نویسنده کتابهای درسی دینی در حوزه‌ها و نیز یک مدرس اخلاق، به واقع مردی فرهنگی و مرد تعلیم و تربیت و یک معلم بزرگ بوده‌اند. ذکر اهمیت تعلیم و تربیت و تشریح ابعاد و جوانب فردی و اجتماعی آن و نیز بیان خطرهایی که از این ناحیه متوجه مسلمانان است و وظایفی که مسلمانان از این حیث برعهده دارند، بخش معتابه‌ای از آثار مکتوب و سخنرانیهای امام را تشکیل می‌دهد. از نخستین گام در راه انقلاب اسلامی، امام جای به جای به نقش فرهنگ و اهمیت تعلیم و تربیت اشاره کرده‌اند و در واپسین پیامی که برای مسلمانان جهان به یادگار گذاشته‌اند، یعنی در وصیتنامه الهی - سیاسی خویش نیز این جنبه را متذکر شده‌اند.

با استناد به آثار و اندیشه‌های امام بیجاست که بگوییم اصالت فرهنگ و اهمیت تعلیم و تربیت یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و یکی از جهت‌گیریهای بنیادین آن است. سخن خود را در بیان دیدگاههای امام در خصوص فرهنگ و تعلیم و تربیت، حول چند محور به شرح زیر متمرکز می‌سازیم و متذکر می‌شویم که بنای ما بر اختصار است.

۱ - انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است.

در توضیح این عنوان، با استناد به سخنان و پیامهای امام می‌توانیم بگوییم که اسلام، اساساً یک فرهنگ است و انقلاب اسلامی که برای تحقق اسلام در جامعه آغاز گشته در حقیقت

برای احیای یک فرهنگ معنوی در مقابل فرهنگهای مادی بوجود آمده است. هدف اصلی انقلاب اسلامی، «انسان‌سازی» و تربیت انسانی است که با گوهر معنوی وجود خود که حقیقت وجود اوست آشنا باشد و معنویت را غایت مسیر حیات خود بداند. اختلاف ما با غرب از اینجا آغاز می‌شود. این اختلاف، اختلاف در روشهای اقتصادی یا شیوه‌های حکومتی و یا در نوع تکنولوژی نیست، بلکه اولاً و بالذات، اختلاف در معنی انسان و معنی سعادت انسان و در یک کلمه اختلاف در فرهنگ و ارزشهای فرهنگی است. هدف از برپایی حکومت اسلامی باید آن باشد که با به دست گرفتن امکانات اجتماعی، حرکت به سوی انسان‌سازی اسلامی و در نتیجه ایجاد یک جامعه اسلامی آغاز شود.

۲ - تعلیم و تربیت، یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است.

از آنجا که غایت و غرض اصلی از انقلاب اسلامی، تربیت انسانی، اسلامی است، «تعلیم و تربیت» به عنوان ابزار و نظامی برای نیل به این مقصود اهمیت و اصالت پیدا می‌کند. پیش از این معنی تعلیم و تربیت در نظر امام به اندازه‌ای بوده که اگر فرض کنیم - و تأکید می‌کنیم که این فقط یک فرض است - امام مخیر بودند از میان همه وزارتخانه‌ها، تنها اختیار و رهبری یک وزارتخانه را در دست داشته باشند آن یک وزارتخانه، قطعاً وزارت آموزش و پرورش می‌بود و اگر فرضاً مخیر بودند اختیار همه وزارتخانه‌ها را به استثنای وزارت آموزش و پرورش به دست بگیرند، انقلاب اسلامی را قطعاً ناقص و بلکه عبث و عقیم می‌دانستند.

از نظر امام، در تعلیم و تربیت اسلامی، «تذکیه مقدم بر تعلیم است»^۱ و اهمیت این معنی به اندازه‌ای است که می‌فرمایند «اگر تهذیب در کار نباشد علم توحید هم به‌درد نمی‌خورد». ^۲ با چنین نگرشی به تعلیم و تربیت است که می‌فرمایند «تعلیم و تعلّم عبادت است». ^۳ در نظر امام، آموزش و پرورش، «کارخانه آدم‌سازی است». ^۴ تعلیم اگر مبتنی بر تربیت اسلامی باشد می‌تواند ما را از وابستگی فکری و سایر وابستگیها نجات دهد.

جامعه اسلامی و مسلمانان جهان باید از طریق تعلیم و تربیت مجدد و عظمت گذشته خود را بازیابند. «ایران باید به یک مدرسه مبدل شود». ^۵ رادیو و تلویزیون باید یک دانشگاه عمومی برای ملت باشد. «آموزش برای همگان، یکی از حواشی اولیه هر ملت و در ردیف بهداشت و مسکن و بلکه مهمتر از آنهاست». ^۶ بی‌سوادی باید از میان مسلمانان و کشورهای اسلامی رخت بریندد و در یک کلام، از نظر امام، تعلیم و تربیت در رأس همه امور است و نسل جوان و دانش‌آموزان، امیدهای آینده انقلاب بشمار می‌روند. آینده‌نگری تنها از طریق تعلیم و تربیت میسر است و «برنامه‌های درازمدت ما برای تأمین مقاصد آینده دارند، تنها از راه

تعلیم و تربیت تحقق می‌یابد.^۷ «آنهایی هم که بعد می‌آیند... احتیاج به پیش دارند که بتوانند آن چیزی را که شما بدست آورده‌اید نگهداری کنند. تعلیم و تربیت باید طوری باشد که مسیرش همین نهضت باشد.»^۸

۳ - تعلیم و تربیت؛ هدف اصلی استعمارگران

استعمارگران می‌کوشند تا در هر کشور به سرچشمه‌های اصلی تعلیم و تربیت آن کشور تسلط پیدا کنند و به اصطلاح می‌کوشند تا آب را از سرچشمه گِل کنند. آنان سعی می‌کنند با تأسیس دبستانها، دبیرستانها، دانشگاهها و مراکز تربیت معلم، نسلی تربیت کنند تا آن‌طور فکر کند که استعمارگران می‌خواهند و در نتیجه آن‌طور عمل کند که منافع استعمارگران تأمین شود. استعمار فرهنگی سخت‌ترین نوع استعمار و شدیدترین نوع وابستگی است و پایه‌های استعمار نو بر استعمار فرهنگی استوار می‌شود.

استعمارگران فرهنگ و تعلیم و تربیت را در هر کشور بدست می‌گیرند تا نسل جوان را فاسد و تباه سازند. نسل تباه شده و فاسد، «دیگر نمی‌تواند به مسائل جدی فکر کند» و «تمام افکارش متوجه به مسائل شهوانی و حیوانی است»^۹. و از این طریق است که استعمارگر می‌تواند بدون هیچ مانعی بر کشورها تسلط نظامی و سیاسی و اقتصادی پیدا کند.

امام می‌فرماید: «مصیبت بزرگ برای مسلمین، همین فرهنگی است که در بین مسلمین رواج پیدا کرده»^{۱۰} و برای تبدیل این فرهنگ به فرهنگ اسلامی، انقلاب فرهنگی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. دانشگاهها مخصوصاً باید اصلاح شوند. «آنکه می‌تواند ما را وابسته کند و در دامن آمریکا یا شوروی بکشانند دانشگاه است.»^{۱۱} «محصولات دانشگاهها در کشور ما پیش از پیروزی انقلاب، عمدتاً در خدمت بیگانه بوده، نه در خدمت ملت ما.»^{۱۲} اهمیت این معنی در نظر امام به اندازه‌ای است که در وصیتنامه خود می‌فرماید: «اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور، به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت»^{۱۳}. و نیز می‌فرماید: «بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار که نگذارند عناصر فاسد و دارای مکتبهای انحرافی با گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند.»^{۱۴} و باز هم در وصیتنامه می‌فرماید: «نجات دانشگاهها از انحراف، نجات کشور و ملت است. به همه نسل‌های مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم‌ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب‌زدگی و شرق‌زدگی حفظ و پاسداری کنید.»^{۱۵}

۴ - استقلال فرهنگی؛ اساس موجودیت هر جامعه و منشأ هر نوع استقلال است.

امام همواره متذکر می‌شوند که «فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است.^{۱۷}» و نیز فرموده‌اند: «ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است.^{۱۸}» مسلمانان باید به هویت اسلامی خود بازگردند. غریب‌زدگی خطر اصلی است و بسیاری از روشنفکران به این بیماری خطرناک مبتلا هستند و دانشگاه‌ها محل مناسبی برای پیدایش و شیوع این بیماری است. ملت‌های مسلمان باید اعتماد به نفس پیدا کنند، باید خود را باور کنند، باید باور کنند که خود همه چیز دارند و می‌توانند با اتکاء به فرهنگ اسلامی خود، همه عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنند. «این خطر بزرگی برای یک انسان است که خودش را قبول نداشته باشد و تنها اجنبی را قبول داشته باشد و جای خود او یک کس دیگر نشسته باشد و به اصطلاح او را شستشوی مغزی داده باشند.^{۱۹}»

در جای دیگری می‌فرمایند: «ما همه چیز داریم، لکن آنها ما را چنان کردند که خیال کنیم هیچ چیز نداریم.^{۲۰}»

«مسلمانان باید از خطر خودباختگی و از خودبیگانگی نجات پیدا کنند. دست از دربوذگی قدرتهای بیگانه بردارند و استعداد‌های خود را شکوفا سازند.^{۲۱}»

۵ - اهمیت نقش معلم و نقش خانواده در تعلیم و تربیت

معلم رکن اصلی تعلیم و تربیت است و همه سعی و تلاش ما باید آن باشد تا معلمانی بنا بینش اسلامی تربیت کنیم «مقام معلم، مقام والایی است، مقامی است که خداوند آن را معظم شمرده است. لکن مسئولیت نیز بزرگ است^{۲۲}»، «نقش معلم در جامعه نقش انبیاست^{۲۳}» و «کلید سعادت و شقاوت یک ملت به دست فرهنگیان است.^{۲۴}»

خانواده، نخستین مرکز تعلیم و تربیت است و برای پرورش نسلی با فرهنگ اسلامی، باید به اصلاح خانواده همت گماشت. نقش مادران مهمتر از نقش پدران است. «اساساً تربیت از دامان پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود^{۲۵}»، «مادرها باید توجه به این معنی کنند که بچه‌ها را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند، دامن‌هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد^{۲۶}». امام خطاب به زنان می‌فرمایند «دامان شما یک مدرسه است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت شود^{۲۷}».

«دامن مادر بزرگترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود، آنچه که بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم، در

دامان مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر تا در جوار معلم.^{۲۸}»

۶ - وحدت روحانی و دانشجو

یکی از مهمترین توطئه‌های استعمارگران در کشورهای اسلامی این بوده است که میان دانشجویان و دانشگاهیان از یک سو و روحانیان و علمای دینی از سوی دیگر اختلاف و بدبینی ایجاد کرده‌اند. آنها با نقشه‌های حساب شده در طول سالیان دراز کاری کرده‌اند که این دو قشر زبان یکدیگر را نفهمند. استعمارگران دریافته‌اند که روحانیون و دانشگاهیان، دو ستون و دو رکن اصلی جامعه هستند و با توجه به اینکه اداره امور کشور عمدتاً به دست فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است با ایجاد تفرقه، سعی کردند دانشجویان را از اسلام دور کنند.

وحدت روحانی و دانشجو، یک شعار اصلی انقلاب اسلامی است. هر نغمه‌ای که در دانشگاهها ساز شود و بخواهد میان این دو قشر اختلاف ایجاد کند و آنها را از هم دور سازد، نغمه‌ای استعماری است. وحدت روحانی و دانشجو لازمه رابطه دین و سیاست است و جدایی این دو قشر به معنی جدایی دین از سیاست خواهد بود. در وصیتنامه می‌فرمایند: «توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکمتر و استوارتر سازند.^{۲۹}»

در پیام استقامت برای تقویت وحدت روحانی و دانشجو به نکته‌ای بس ظریف و مهم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی؛ باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلامی وسیعتر گردد.^{۳۰}»

۷ - جوانان، سرمایه‌های اصلی ملتها هستند.

امام همواره به جوانان عشق می‌ورزیدند و آنان را امید خود و نوید خود می‌خواندند. به آنان توصیه می‌کردند که «قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی آماده کنید.^{۳۱}» در وصیتنامه می‌فرمایند: «سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها، که عضو فعال هستند، با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرت‌تکده‌ها و دهها از این مصائب حساب شده برای عقب نگه‌داشتن کشورهاست.^{۳۲}» و نیز می‌فرمایند: «باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است.^{۳۳}» امام جوانان را به مبارزه علمی و مبارزه عملی فرا می‌خواند و می‌فرمایند: «مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن

روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.^{۳۴} «همچنین به مسؤولان جامعه سفارش می‌کند که «به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگهدارید.»^{۳۵}

و نیز می‌فرماید: «وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آنست که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور ملت خودشان مصون باشد.»^{۳۶}

والسلام



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



زیر نویسها:

- ۱ - صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۵
- ۲ - صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۱
- ۳ - صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۱
- ۴ - صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۳۶
- ۵ - صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۱
- ۶ - صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۱
- ۷ - صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۱
- ۸ - امام و انقلاب فرهنگی، از انتشارات دفتر تحکیم وحدت، چاپ اول فروردین ۱۳۶۰، ص ۸۵.
- ۹ - صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۵۵
- ۱۰ - صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۷۰
- ۱۱ - امام و انقلاب فرهنگی، ص ۴۲
- ۱۲ - صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۰۹
- ۱۳ - صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۱۳ نقل به معنی
- ۱۴ - وصیتنامه، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ص ۲۵
- ۱۵ - وصیتنامه، ص ۲۵
- ۱۶ - وصیتنامه، ص ۱۸
- ۱۷ - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰
- ۱۸ - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰
- ۱۹ - امام و انقلاب فرهنگی، ص ۴۳
- ۲۰ - صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۰
- ۲۱ - وصیتنامه، ص ۲۷ نقل به معنی
- ۲۲ - صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۳۷ نقل به معنی
- ۲۳ - صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۳۹
- ۲۴ - صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۳۹
- ۲۵ - صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲
- ۲۶ - صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲
- ۲۷ - صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲
- ۲۸ - صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۴۰
- ۲۹ - وصیتنامه، ص ۱۵
- ۳۰ - پیام استقامت، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ص ۲۸
- ۳۱ - پیام استقامت، ص ۲۵
- ۳۲ - وصیتنامه، ص ۱۶
- ۳۳ - وصیتنامه، ص ۲۸
- ۳۴ - وصیتنامه، ص ۲۵
- ۳۵ - پیام استقامت، ص ۲۵
- ۳۶ - وصیتنامه، ص ۲۵